



Managers' Overconfidence and Earnings Management through Classification Shifting: The Moderating Role of Managerial Ability

Abbas Aflatooni 

Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: a.aflatooni@basu.ac.ir

Abstract

Objective

In recent years, accounting researchers have primarily focused on the management of discretionary accruals and the manipulation of real business activities, paying less attention to earnings management through classification shifting of income statement items. Although the topic of earnings management through classification shifting has recently gained attention from researchers, and some domestic studies have addressed it, there is limited empirical evidence on how classification shifting can be influenced by managerial beliefs. Therefore, this study aims to investigate the relationship between managers' overconfidence and classification shifting and examine the moderating role of managerial ability in this relationship.

Methods

To test the research hypotheses, data from 138 firms listed on the Tehran Stock Exchange over the period 2012–2023 (1,656 firm-years) were utilized. The Generalized Least Squares (GLS) method was applied for model estimation, with controls for both year and industry fixed effects. To address potential issues of heteroscedasticity and autocorrelation in the errors, cluster-robust standard errors at the firm level were employed. The models for measuring unexpected core earnings and unexpected changes in core earnings were estimated cross-sectionally at the industry level (120 industry-years).

Citation: Aflatooni, Abbas (2025). Managers' Overconfidence and Earnings Management through Classification Shifting: The Moderating Role of Managerial Ability. *Accounting and Auditing Review*, 32(2), 284-309. (in Persian)



Results

The research results indicate that a reduction in non-core earnings leads to an increase in unexpected core earnings and a decrease in unexpected changes in core earnings. These findings suggest the prevalence of the classification shifting phenomenon in Iranian firms. Additionally, the results show that managers' overconfidence strengthens the positive (negative) relationship between the reduction in non-core earnings and unexpected core earnings (unexpected changes in core earnings). With an increase in managerial ability, the impact of managers' overconfidence on the relationship between the reduction in non-core earnings and the two variables of unexpected core earnings and unexpected changes in core earnings diminishes. Furthermore, the results are not sensitive to the use of an alternative definition for measuring managers' overconfidence.

Conclusion

Based on the research results, it can be concluded that an increase in managers' overconfidence intensifies earnings management through classification shifting of income statement items. Overconfident managers have an exaggerated trust in their own abilities, and therefore, they intentionally classify some core expenses as non-core expenses to report higher core earnings than actual. This behavior not only skews the true financial performance of the firm but also misleads stakeholders relying on these statements. Furthermore, the research findings indicate that as managerial ability increases, the impact of managers' overconfidence on classification shifting diminishes. Compared to overconfident managers with weak managerial ability, overconfident managers with higher abilities have a more realistic assessment of their capabilities and sufficient capacity to meet their forecasts about the firm, thus having less motivation and need to reclassify income statement items. This suggests that improved managerial skills can mitigate the negative effects of overconfidence, ensuring more accurate and reliable financial reporting.

Keywords: Classification shifting, Core earnings, Earnings management, Managerial ability, Managers' overconfidence.



بیش اطمینانی مدیران و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی: نقش تعدیلگر توانایی مدیریتی

عباس افلاطونی

دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: a.aflatooni@basu.ac.ir

چکیده

هدف: در سال‌های قبل، پژوهشگران حسابداری، بیشتر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و دست‌کاری در فعالیت‌های تجاری واقعی را بررسی کرده‌اند و به مدیریت سود با تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، توجه چندانی نداشته‌اند. با آنکه در سال‌های اخیر، موضوع مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی، در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است و پژوهش‌های داخلی انگشت‌شماری نیز به آن پرداخته‌اند، در این خصوص که تغییر طبقه‌بندی می‌تواند از باورهای مدیریتی اثر بپذیرد، شواهد تجربی اندکی ارائه شده است. با توجه به آنچه بیان شد، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بیش اطمینانی مدیران با تغییر طبقه‌بندی و بررسی نقش تعدیلگر توانایی مدیریتی بر این رابطه است.

روش: برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از داده‌های ۱۳۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ (۱۶۵۶ سال - صنعت) استفاده شده است. در برازش مدل‌ها، ضمن کنترل اثرهای ثابت سال‌ها و صنایع، رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته به کار رفته است. افزون‌بر آن، برای تخفیف اثر ناهمسانی واریانس و هم‌بستگی خطاها، در محاسبه خطای استاندارد ضرایب، از تصحیح خوشه‌ای در سطح شرکت‌ها استفاده شده است. همچنین، مدل‌های به‌کاررفته برای سنجش سود اصلی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی، به‌صورت مقطعی و در سطح هر صنعت (۱۲۰ سال - صنعت)، برازش شده‌اند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش بیانگر آن است که کاهش در سود غیراصولی واحدهای تجاری، موجب افزایش سود اصلی غیرمنتظره و کاهش تغییرات غیرمنتظره سود اصلی آن‌ها می‌شود. این نتایج نشان‌دهنده رواج پدیده تغییر طبقه‌بندی در شرکت‌های ایرانی است. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیش اطمینانی مدیران رابطه مثبت (منفی) بین اندازه کاهش در سود غیراصولی و سود اصلی غیرمنتظره (تغییرات غیرمنتظره سود اصلی) را تقویت می‌کند و با افزایش در توانایی مدیریتی، از شدت اثر بیش اطمینانی مدیران، بر رابطه بین اندازه کاهش در سود غیراصولی و دو متغیر سود اصلی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی، کاسته می‌شود. افزون‌بر آن، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، به استفاده از تعریفی جایگزین برای سنجش بیش اطمینانی مدیران، حساس نیست.

استناد: افلاطونی، عباس (۱۴۰۴). بیش اطمینانی مدیران و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی: نقش تعدیلگر توانایی مدیریتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۲(۲)، ۲۸۴-۳۰۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2025.384305.1009036>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۴، دوره ۳۲، شماره ۲، صص. ۲۸۴-۳۰۹

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان دریافت که با افزایش در بیش‌اطمینانی مدیران، مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان شدت می‌یابد؛ زیرا مدیران بیش‌اطمینان به قابلیت‌های فردی خود اعتماد بیش از واقع دارند؛ از این‌رو به‌صورت آگاهانه، برخی هزینه‌های اصلی واحد تجاری را در ردیف هزینه‌های غیراصلی رده‌بندی می‌کنند تا سود اصلی شرکت را بیش از واقع، گزارش کنند. افزون‌بر آن، نتایج پژوهش بیان می‌کند که با افزایش در توانایی مدیریتی، بیش‌اطمینانی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی تأثیر کمتری خواهد داشت؛ زیرا در مقایسه با مدیران بیش‌اطمینان با توانایی مدیریتی ضعیف، مدیران بیش‌اطمینانی که از توانایی بیشتری برخوردارند، ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از قابلیت‌های خود دارند و از توان کافی برای برآورده ساختن پیش‌بینی‌های خویش درباره شرکت برخوردارند؛ بنابراین انگیزه و نیاز کمتری برای تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان دارند.

کلیدواژه‌ها: بیش‌اطمینانی مدیران، تغییر طبقه‌بندی، توانایی مدیریتی، مدیریت سود، سود اصلی.

مقدمه

در صورت‌های مالی، اقلام مشابه باهم گروه‌بندی می‌شوند و از اقلام نامشابه متمایز می‌شوند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۱، ۱۹۸۴). اقلام ناپایدار^۲ درآمدی و هزینه‌ای، به دلیل پیش‌بینی‌پذیری کمتر، در ردیفی جداگانه در صورت سود و زیان گزارش می‌شوند تا تجزیه و تحلیل اقلام پایدار^۳ برای سرمایه‌گذاران تسهیل شود (جونز و اسمیت^۴، ۲۰۱۱). وقتی اقلام غیرمکرر^۵ از ردیف اقلام مکرر درآمدی و هزینه‌ای کنار گذاشته می‌شوند، رقم پایدارتری برای سود اصلی^۶ گزارش می‌شود که با به‌کارگیری آن، بهتر می‌توان سودهای آتی را پیش‌بینی کرد (فرانکل، مکوی و سلیمان^۷، ۲۰۱۱). به علاوه، دست‌اندرکاران بازار سرمایه نیز در تحلیل‌های خود وزن بیشتری برای سود عملیات اصلی واحد تجاری قائل‌اند و روی اقلام غیرمکرر تأکید کمتری دارند (فرانسیس، هوانگ، راجگوپال و زنگ^۸، ۲۰۰۸). جریانی از پژوهش‌ها (مانند مکوی^۹، ۲۰۰۶؛ فن، باروا، کیریدی و توماس^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ بن، گوتی، هرمان و کانگ^{۱۱}، ۲۰۱۳؛ فن و لیو^{۱۲}، ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که مدیران به صورت آگاهانه هزینه‌های پایدار (درآمدهای ناپایدار) را در ردیف هزینه‌های ناپایدار (درآمدهای پایدار) رده‌بندی می‌کنند تا بتوانند سود اصلی شرکت را بیش‌نمایی کنند.

مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی^{۱۳} که می‌تواند با به‌کارگیری رده وسیعی از اقلام ناپایدار درآمدی و هزینه‌ای اجرا شود (کابین، کلو و مکوی^{۱۴}، ۲۰۲۰)، از کیفیت سود اصلی واحد تجاری می‌کاهد و به ارائه گزارش‌های همراه‌کننده درباره عملکرد اصلی و پایدار شرکت‌ها منجر می‌شود (چوی، گان و سو^{۱۵}، ۲۰۲۴). در سال ۲۰۰۰، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده با بیان اینکه طبقه‌بندی مناسب اقلام در صورت سود و زیان، به میزان شناسایی مناسب این اقلام اهمیت دارد، بر مشکل تغییر طبقه‌بندی تأکید می‌کند. با وجود این، بیشتر پژوهش‌های تجربی، مدیریت سود حسابداری^{۱۶} (از طریق دست‌کاری اقلام تعهدی اختیاری^{۱۷}) و مدیریت سود واقعی^{۱۸} (از طریق دست‌کاری در فعالیت‌های تجاری واقعی^{۱۹}) را بررسی کرده‌اند و کمتر به مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی پرداخته‌اند (زالاتا و رابرتس^{۲۰}،

1. Financial Accounting Standards Board
2. Transitory items
3. Persistent items
4. Jones & Smith
5. Non-recurring items
6. Core earnings
7. Frankel, McVay & Soliman
8. Francis, Huang, Rajgopal & Zang
9. McVay
10. Fan, Barua, Cready & Thomas
11. Behn, Gotti, Herrmann & Kang
12. Fan & Liu
13. Classification shifting
14. Cain, Kolev & McVay
15. Choi, Gan & Suh
16. Accounting earnings management
17. Discretionary accruals
18. Real earnings management
19. Real activities manipulation
20. Zalata & Roberts

۲۰۱۶). به علاوه، پژوهش‌های پیشین خارجی (مانند باروا، لین و اسباراگلیا^۱، ۲۰۱۰؛ فن و همکاران، ۲۰۱۰؛ آتاناساکو، استرانگ و والکر^۲، ۲۰۱۱؛ هاو، هو و لی^۳، ۲۰۱۱؛ آبرناتی، بیر و راپلی^۴، ۲۰۱۴؛ بلک، کریستنسن، تیلور جو و اشماردبک^۵، ۲۰۱۷؛ هوانگ، چوی، چوی و لی^۶، ۲۰۲۲) و داخلی در زمینه تغییر طبقه‌بندی (مانند هاشمی و ربیعی، ۱۳۹۲؛ ثقفی و جمالیان‌پور، ۱۳۹۷؛ حمیدیان، بزرگمهریان و جنت‌مکان، ۱۳۹۷؛ ایمنی و مشعشعی، ۱۴۰۱؛ افلاطونی، ارجمند و مهدی‌قلی، ۱۴۰۱؛ عبدلی و فرجی، ۱۴۰۲)، اغلب تأثیر ویژگی‌های شرکت یا حساب‌رسان را روی تغییر طبقه‌بندی بررسی کرده‌اند؛ ولی در این خصوص که مدیریت سود، از طریق تغییر طبقه‌بندی می‌تواند از باورهای مدیریتی^۷ اثر بپذیرد، شواهد تجربی اندکی ارائه شده است (چوی، گان و سو^۸، ۲۰۲۴). برای پوشش این خلأ، پژوهش حاضر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی را در کانون توجه قرار داده است و هدف آن، بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی و تحلیل نقش تعدیلگر توانایی مدیریتی بر این رابطه است.

این پژوهش با ارائه نتایجی در خصوص تأثیر فزاینده بیش‌اطمینانی مدیران^۹ بر تغییر طبقه‌بندی در شرکت‌های ایرانی و نقش تعدیلگر توانایی مدیریتی^{۱۰} بر رابطه فوق‌الذکر، در ادبیات مربوط به مدیریت سود، از طریق تغییر طبقه‌بندی و اثرپذیری آن از باورها و قابلیت‌های مدیران، مشارکت می‌کند. در ادامه، به‌ترتیب پیشینه نظری و تجربی پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌ها و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده‌اند.

مبانی نظری

مدیران اغلب از فرصت و انگیزه کافی برای دست‌کاری سود برخوردارند. ناقرینگی موجود در حجم اطلاعات در اختیار مدیران و سهام‌داران، مدیران را در موقعیتی برتر قرار داده و فرصت دست‌کاری ارقام حسابداری را برای آنان فراهم می‌کند. به علاوه، میزان فزاینده اقلام تعهدی که از به‌کارگیری استانداردهای حسابداری حاصل می‌شود، فرصت مدیریت سود را افزایش می‌دهد (بنسال، کومار، باتاچاریا و بشیر^{۱۱}، ۲۰۲۳). به‌طورمعمول، مدیران سود را با انگیزه‌های افزایش پاداش (فرضیه پاداش^{۱۲})، اجتناب از نقض قراردادهای بدهی (فرضیه بدهی^{۱۳}) یا دوری از مداخلات سیاسی (فرضیه هزینه‌های سیاسی^{۱۴})، دست‌کاری می‌کنند (واتس و زیمرمن^{۱۵}، ۱۹۷۸). به علاوه، مدیران انگیزه دارند که برای اجتناب از

1. Barua, Lin & Sbaraglia
2. Athanasakou, Strong & Walker
3. Haw, Ho & Li
4. Abernathy, Beyer & Rapley
5. Black, Christensen, Taylor Joo & Schmardebeck
6. Hwang, Choi, Choi & Lee
7. Managerial beliefs
8. Choi, Gan & Suh
9. Managers' Overconfidence
10. Managerial Ability
11. Bansal, Kumar, Bhattacharyya & Bashir
12. Bonus plan hypothesis
13. Debt hypothesis
14. Political cost hypothesis
15. Watts & Zimmerman

سقوط قیمت سهام و دریافت پاداش در قالب ارزش‌گذاری بالاتر سهام (چنگ و وارفیلد^۱، ۲۰۰۵)، سود را به آستانه سود صفر و آستانه‌های پیش‌بینی مدیران و تحلیلگران برسانند (برگشتالر و دچف^۲، ۱۹۹۷؛ کازنیک و مک‌نیکولز^۳، ۲۰۰۲). همچنین، از آنجا که در زمان اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، تحلیلگران و سرمایه‌گذاران برای سود عملیات اصلی واحد تجاری، وزن بیشتری قائل می‌شوند، این انگیزه در مدیران ایجاد می‌شود تا با تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، سود اصلی شرکت را که بیشتر در کانون توجه است، بیش از واقع گزارش کنند (بردشو و اسلون^۴، ۲۰۰۲).

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، سود با استفاده از اقلام تعهدی، دست‌کاری فعالیت‌های تجاری واقعی یا تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، مدیریت می‌شود. با آنکه مدیران در هر بُرهه از زمان، با توجه به هزینه و محدودیت‌های هر روش، ترکیبی از این ابزارها را به کار می‌برند (زانگ^۵، ۲۰۱۲؛ ابرناتی و همکاران، ۲۰۱۴) و ادبیات حسابداری، بیشتر روی مدیریت اقلام تعهدی و دست‌کاری فعالیت‌های واقعی تمرکز کرده است (زالاتا و رابرتس، ۲۰۱۶)، به دلایل مختلف، مدیران روش تغییر طبقه‌بندی را ترجیح می‌دهند (آتاناساکو، استرانگ و والکر^۶، ۲۰۰۹). برای نمونه، دست‌کاری اقلام تعهدی، فرایند برگشت این اقلام را در سال‌های آتی به دنبال دارد و دست‌کاری فعالیت‌های تجاری واقعی، به کاهش مزایا در دوره‌های آتی منجر می‌شود؛ درحالی‌که تغییر طبقه‌بندی چنین نیست (آلفونسو، چنگ و پن^۷، ۲۰۱۵). از آنجا که تغییر طبقه‌بندی، فقط به گزارش بیش از واقع سود عملیات اصلی واحد تجاری منجر می‌شود و سود خالص را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، کمتر توسط حساب‌برسان کشف می‌شود، خطر دادرسی^۸ کمتری دارد و برای بیش‌نمایی سود اصلی شرکت با روش تغییر طبقه‌بندی، مدیران از اختیارات بیشتری برخوردار می‌شوند (بنسال و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، به باور فن و همکاران (۲۰۱۰) و بلک و همکاران (۲۰۱۷)، وقتی توان واحدهای تجاری برای مدیریت اقلام تعهدی و دست‌کاری فعالیت‌های واقعی محدود می‌شود، شرکت‌ها به تغییر طبقه‌بندی روی می‌آورند.

بیش اطمینانی مدیران از دو کانال متفاوت بر تغییر طبقه‌بندی اثر می‌گذارد. نخست آنکه تغییر طبقه‌بندی ممکن است عمدی نباشد و نتیجه سوگیری شناختی^۹ مدیران بیش اطمینان باشد. مدیران بیش اطمینان احتمال وقوع رویدادهای نامطلوب را دست‌کم می‌گیرند و برخی هزینه‌های تکرارشونده را غیرمکرر تلقی می‌کنند، زیرا خصیصه بیش اطمینانی به‌طور طبیعی آنان را به این باور می‌رساند که در آینده نزدیک، رویدادهای کاهنده درآمد رخ نمی‌دهند. بنابراین، بیش اطمینانی مدیران با آسیب‌زدن به شایستگی‌های مدیریتی، به خطاهای گزارشگری منجر می‌شود. به بیان دیگر، رده‌بندی غیرعمدی و اشتباه هزینه‌های مکرر در ردیف هزینه‌های غیرمکرر، زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران بیش اطمینان با نسبت دادن رویدادهای نامطلوب به بدشانسی، مرتکب خطای انتساب^{۱۰} می‌شوند (هاستورف، اشنايدر و پولفکا^{۱۱}،

1. Cheng & Warfield

2. Burgstahler & Dichev

3. Kasznik & McNichols

4. Bradshaw & Sloan

5. Zang

6. Athanasakou, Strong & Walker

7. Alfonso, Cheng & Pan

8. Litigation risk

9. Cognitive bias

10. Attribution error

11. Hastorf, Schneider & Polefka

۱۹۷۰). دوم، چون مدیران بیش‌اطمینان به توانایی‌ها و عملکرد آتی خود بیش‌ازحد خوش‌بین هستند، ممکن است عمداً هزینه‌های مکرر را به‌عنوان اقلام غیرتکراری طبقه‌بندی کنند تا درآمد حاصل از عملیات اصلی واحد تجاری را بیش‌نمایی کنند. به‌بیان دیگر، آنان ممکن است برای برآورده ساختن پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه خود، آگاهانه به تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان اقدام کنند. مطالب فوق‌الذکر بیانگر این نکته است که هر دو نوع اقدام آگاهانه و ناآگاهانه مدیران بیش‌اطمینان، می‌تواند تشدید در رفتارهای تغییر طبقه‌بندی را به‌دنبال داشته باشد. گرچه ممکن است مدیران بیش‌اطمینان، به‌ویژه در اوایل دوره تصدی خود که دیدگاه‌های غرورآمیز در خصوص توانایی‌های خود دارند، به بیش‌نمایی سود اصلی علاقه‌ای نداشته باشند (پیرک^۱، ۲۰۲۱؛ چوی و همکاران، ۲۰۲۴).

مدیران با طبقه‌بندی هزینه‌های عملیات اصلی در ردیف هزینه‌های غیراصلی^۲ و رده‌بندی درآمدهای غیراصلی^۳ به‌عنوان درآمدهای اصلی، درعین‌حال که سود غیراصلی^۴ کمتری گزارش می‌کنند، قادرند سود عملیات اصلی واحد تجاری را به‌طور غیرمنتظره افزایش دهند. به‌بیان دیگر، وجود رابطه مثبت بین اندازه کاهش در سود فعالیت‌های غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره^۵، شواهدی از رفتار تغییر طبقه‌بندی ارائه می‌دهد (مک‌وی، ۲۰۰۶؛ ثقفی و جمالیان‌پور، ۱۳۹۷). چون بیش‌اطمینانی مدیران می‌تواند موجب تشدید رفتار تغییر طبقه‌بندی مدیران شود، انتظار می‌رود که بتواند رابطه مثبت بین اندازه کاهش در سود فعالیت‌های غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره را تقویت کند (چوی و همکاران، ۲۰۲۴). باید توجه شود که وجود رابطه مثبت بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره، ممکن است نشئت‌گرفته از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران نباشد و تنها نتیجه تغییرات اقتصادی واقعی باشد. اگر افزایش غیرمنتظره در سود اصلی، ناشی از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در یک سال خاص باشد، به‌طورمعمول در سال آتی چنین افزایشی تجربه نمی‌شود و سود اصلی غیرمنتظره سال آتی کاهش می‌یابد؛ ولی اگر افزایش غیرمنتظره در سود اصلی، نتیجه تغییرات اقتصادی واقعی باشد، این افزایش معمولاً در سال آتی نیز تکرار می‌شود. به بیان صریح، وجود رابطه منفی بین اندازه کاهش در سود فعالیت‌های غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی^۶، تغییر طبقه‌بندی مبتنی بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را تأیید می‌کند (مک‌وی، ۲۰۰۶) و چون انتظار می‌رود بیش‌اطمینانی مدیران، رفتارهای تغییر طبقه‌بندی را تشدید کند (چوی و همکاران، ۲۰۲۴)، پیش‌بینی می‌شود که بتواند رابطه منفی بین اندازه کاهش در سود فعالیت‌های غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی را نیز تقویت کند؛ از این رو برای بررسی اثر بیش‌اطمینانی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی، دو فرضیه زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بیش‌اطمینانی مدیران رابطه مثبت بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره را تقویت می‌کند.

1. Pierk

2. Non-core expenses

3. Non-core revenues

4. Non-core earnings

5. Unexpected core earnings

6. Unexpected changes in core earnings

فرضیه دوم: بیش اطمینانی مدیران رابطه منفی بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی را تقویت می‌کند.

به باور کاپلان، سورسن و زاکولیوکینا^۱ (۲۰۲۲) بیش اطمینانی تا حدی با توانایی مدیریتی ضعیف مدیران مرتبط است و حساسیت جریان‌های نقدی به سرمایه‌گذاری، در شرکت‌هایی با مدیران بیش اطمینان و کم‌توان، بیشتر است. افزون‌برآن، در قیاس با مدیران بیش اطمینان با توانایی اندک، مدیران بیش اطمینان با توانایی بالا ممکن است نیاز و انگیزه کمتری برای تغییر طبقه‌بندی داشته باشند؛ چراکه برخلاف مدیران ناشایست، مدیران شایسته توانایی‌های خود را بیش از واقع ارزیابی نمی‌کنند، تصمیم‌های نادرست کمتری می‌گیرند و از توانایی لازم برای تحقق پیش‌بینی‌های خود برخوردارند (کروگر و دانیگ^۲، ۱۹۹۹). از این رو، انتظار می‌رود با افزایش در توانایی‌های مدیریتی، رابطه مثبت بین بیش اطمینانی مدیران و تغییر طبقه‌بندی، تضعیف شود (کاپلان و همکاران، ۲۰۲۲؛ چوی و همکاران، ۲۰۲۴). به بیان دیگر، پیش‌بینی می‌شود با افزایش توانایی مدیریتی، از شدت تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر رابطه مثبت (منفی) بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره (تغییرات غیرمنتظره سود اصلی)، کاسته شود. برای بررسی این موضوع، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه سوم: با افزایش توانایی مدیریتی، میزان تأثیر فزاینده بیش اطمینانی مدیران بر رابطه مثبت بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره، تضعیف می‌شود.

فرضیه چهارم: با افزایش توانایی مدیریتی، میزان تأثیر فزاینده بیش اطمینانی مدیران بر رابطه منفی بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی، تضعیف می‌شود.

پیشینه تجربی پژوهش

در مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی، شرکت‌ها هزینه‌های عملیات اصلی خود را در قالب اقلام خاص^۳ (مکوی، ۲۰۰۶؛ فن و همکاران، ۲۰۱۰)، اقلام غیرمترقبه^۴ (بارنیا، رونن و سادان^۵، ۱۹۷۶)، عملیات متوقف‌شده^۶ (باروا و همکاران، ۲۰۱۰) یا اقلام غیرمکرر (آتاناساکو و همکاران، ۲۰۰۹) طبقه‌بندی می‌کنند.

در پژوهش‌های خارجی، مکوی (۲۰۰۶) دریافت که مدیران با تغییر طبقه‌بندی برخی هزینه‌های عملیات اصلی شرکت در ردیف هزینه‌های غیراصلی، سعی می‌کنند پیش‌بینی تحلیل‌گران را تحقق ببخشند. یافته‌های فن و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که رفتار تغییر طبقه‌بندی در فصل پایانی سال مالی، بیشتر از سه فصل نخست رخ می‌دهد و مدیرانی که برای دست‌کاری اقلام تعهدی محدودیت بیشتری دارند، بیش از سایرین دست به تغییر طبقه‌بندی می‌زنند.

1. Kaplan, Sørensen, Zakolyukina
2. Kruger & Dunning
3. Special items
4. Extraordinary items
5. Barnea, Ronen & Sadan
6. Discontinued operations

باروا و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که برخی مدیران از طریق تغییر طبقه‌بندی عملیات متوقف‌شده، سود عملیات اصلی را مدیریت می‌کنند. نتایج ریدل و سرینیواسان^۱ (۲۰۱۰) بیانگر آن است که پایداری برخی اقلام هزینه‌ای منتشره در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، از پایداری برخی اقلام هزینه‌ای انتشار یافته در متن اصلی صورت سود و زیان، بیشتر است. به علاوه، با بیان اینکه در سال‌های اخیر، حجم هزینه‌های غیرمکرر و پایداری سود عملیات غیراصلی شرکت‌ها، به نسبت سال‌های قبل افزایش داشته است، کزیدی، لویز و سیسنروس^۲ (۲۰۱۰) این موضوع را به تشدید در رفتار تغییر طبقه‌بندی مدیران، نسبت می‌دهند. به دلیل رده‌بندی نادرست برخی هزینه‌های عملیات اصلی تحت عنوان مخارج تجدیدساختار^۳، شرکت‌هایی مانند سیمبول تکنولوژی^۴، سیفنت^۵ و دل^۶ توسط کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا جریمه شده‌اند و این نهاد، گروه فناوری ABB^۷ را به تغییر طبقه‌بندی درآمد فروش دارایی‌های ثابت به عنوان درآمد اصلی شرکت، متهم کرده است (جونز^۸، ۲۰۱۱).

آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند شرکت‌هایی که در یک صنعت، سهم بازار کمتری دارند، برای تحقق پیش‌بینی تحلیلگران، رویکرد تغییر طبقه‌بندی را به مدیریت سود واقعی و تعهدی ترجیح می‌دهند. بیش اطمینانی مدیران با برخی رفتارهای گزارشگری مالی متهورانه مانند محافظه‌کاری کمتر (احمد و دولمن^۹، ۲۰۱۳) و تحریف‌های مالی بیشتر (شراند و زچمن^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ پریسلی و ابوت^{۱۱}، ۲۰۱۳) مرتبط است. هسیه، بدارد و جانستون^{۱۲} (۲۰۱۴) نشان دادند که مدیران بیش اطمینان، مدیریت سود را اغلب از طریق اقلام تعهدی اختیاری افزایشدهنده درآمد و مدیریت سود واقعی انجام می‌دهند. بلک و همکاران (۲۰۱۷) نیز دریافتند تا وقتی که مدیران امکان استفاده از اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی را داشته باشند، از ابزار تغییر طبقه‌بندی، کمتر بهره می‌برند.

پیرک (۲۰۲۱) دریافت که مدیران بیش اطمینان به احتمال کمتری دست به سیاه‌نمایی^{۱۳} می‌زنند؛ زیرا با ارزیابی بیش از واقع توانایی‌های خود، در خصوص عملکرد آتی شرکت هیچ‌گونه نگرانی ندارند. نتایج هوانگ و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی عملکرد خوبی دارند، رفتار تغییر طبقه‌بندی کمتری دارند. نتایج پژوهش‌ها مؤید تأثیر توانایی مدیریتی (ایمنی، فلاح و عدالت‌پناه^{۱۴}، ۲۰۲۱)، دوره تصدی مدیران (لیو، یانگ، دی و لی^{۱۵}، ۲۰۲۲) و ویژگی‌های واحد تجاری (بنسال و همکاران، ۲۰۲۳) بر رفتار تغییر طبقه‌بندی است.

1. Riedl & Srinivasan
2. Cready, Lopez & Sisneros
3. Restructuring charges
4. Symbol Technologies (<https://www.zebra.com/us/en.html>)
5. SafeNet (<https://cpl.thalesgroup.com>)
6. Dell (<https://www.dell.com>)
7. ABB Group (<https://global.abb/group>)
8. Jones
9. Ahmed & Duellman
10. Schrand & Zechman
11. Presley & Abbott
12. Hsieh, Bedard & Johnstone
13. Big bath
14. Imeni, Fallah & Edalatpanah
15. Liu, Yang, Di & Li

یافته‌های چوی، گان و سو (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که بیش اطمینانی مدیران موجب تشدید رفتار تغییر طبقه‌بندی در مدیران می‌شود و توانایی مدیریتی این رابطه را تعدیل می‌کند.

پژوهش‌های داخلی در زمینه تغییر طبقه‌بندی بیانگر آن است که در فصل پایانی سال مالی، رفتار تغییر طبقه‌بندی شایع‌تر از سایر فصول است (هاشمی و ربیعی، ۱۳۹۲). شرکت‌ها برحسب میزان استفاده خود از مدیریت اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی، میزان اقدام به تغییر طبقه‌بندی را ارزیابی می‌کنند (ثقفی و جمالیان‌پور، ۱۳۹۷)، حسابرس متخصص صنعت، قادر است رفتار تغییر طبقه‌بندی را کشف کند (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷)، با افزایش سلامت مالی، سهام‌داران نهادی، اندازه مؤسسه حسابرسی و سهم بازار، تغییر طبقه‌بندی افزایش می‌یابد (ایمنی و مشعشعی، ۱۴۰۱)، دوره تصدی مدیرعامل بر میزان تغییر طبقه‌بندی اثر منفی دارد (افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۲) با افزایش حق الزحمه حسابرسی و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، از میزان تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان کاسته می‌شود (عبدلی و فرجی، ۱۴۰۲) و با شیوع همه‌گیری کووید ۱۹، رفتار تغییر طبقه‌بندی در مدیران شرکت‌های ایرانی، شدت یافته است (افلاطونی و خطیری، ۱۴۰۳).

به‌طور خلاصه، مرور پیشینه تجربی نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت یا حساب‌رسان بر تغییر طبقه‌بندی پرداخته‌اند؛ اما در خصوص اینکه چگونه مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی می‌تواند تحت تأثیر باورهای مدیریتی قرار گیرد، شواهد تجربی کمی ارائه شده است. پژوهش حاضر با بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی در شرکت‌های ایرانی و نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیریتی بر این رابطه، تلاش کرده است تا شواهدی در این باره دهد.

روش‌شناسی پژوهش

برای گردآوری داده‌های پژوهش، از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین^۲ و سایت کدال^۳ استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار استتا^۴ به کار رفته است. برای برازش مدل‌های مورد استفاده در آزمون فرضیه‌ها، ضمن کنترل اثرهای ثابت سال‌ها و صنایع^۵، رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۶ به کار رفته و برای تخفیف اثر ناهمسانی واریانس و هم‌بستگی^۷ احتمالی جمله خطای مدل‌ها در سنجش خطای استاندارد ضرایب، تصحیح خوشه‌ای در سطح شرکت‌ها^۸ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، متشکل از تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۴۰۲ است (۴۱۷ شرکت، ۵۰۴ مشاهده) که پایان سال مالی آن‌ها به پایان اسفندماه منتهی باشد و در طول دوره بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشند (حذف ۱۰۳ شرکت، ۱۲۳۶ مشاهده)؛ از شرکت‌های فعال در صنایع بیمه‌ای، بانکی، سرمایه‌گذاری مالی، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها نباشند (حذف ۱۲۱ شرکت، ۱۴۵۲ مشاهده) و در طول دوره

1. COVID-19 pandemic

2. <https://mabnadp.com/products/rahavard-novin>

3. <https://www.codal.ir/>

4. Stata

5. Year and industry fixed effects

6. Generalised least squares (GLS)

7. Heteroscedasticity and correlation

8. Clustering on firm level

مورد مطالعه، داده‌های آن‌ها به‌طور کامل در دسترس باشد (حذف ۵۵ شرکت، ۶۶۰ مشاهده). به این ترتیب، حجم مشاهدات به ۱۳۸ شرکت (۱۶۵۶ سال - شرکت) رسیده است. همچنین، برای سنجش مقادیر برخی متغیرها، از داده‌های دو دوره قبل (۱۳۸۹-۱۳۹۰) نیز استفاده شده و برای کنترل اثر مشاهدات پرت، مقادیر تمام متغیرهای پیوسته، در صدک‌های ۱ و ۹۹، پیرایش^۱ شده است.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

به باور مک‌وی (۲۰۰۶) و ثقفی و جمالیان‌پور (۱۳۹۷) و مطابق با مبانی پشتیبان فرضیه‌ها، انتظار می‌رود مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، بین اندازه کاهش در سود غیراصلی (SI_{it}) و سود اصلی غیرمنتظره واحد تجاری ($UE.CE_{it}$) رابطه مثبت ایجاد کند و درعین حال، به ایجاد رابطه منفی بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی سال آتی شرکت ($UE.\Delta CE_{it+1}$) منجر شود. بر این اساس، به‌منظور بررسی اثر بیش اطمینانی مدیران (OVC_{it}) بر تغییر طبقه‌بندی، تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر رابطه بین اندازه کاهش سود غیراصلی و دو متغیر سود اصلی غیرمنتظره سال جاری و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی سال آتی شرکت، به‌ترتیب با به‌کارگیری مدل‌های زیر بررسی شده است:

$$UE.CE_{it} = \phi_0 + \phi_1 SI_{it} + \phi_2 OVC_{it} + \phi_3 SI_{it} \times OVC_{it} + \sum_{j=1}^8 \gamma_j Controls_{j,it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۱}$$

$$UE.\Delta CE_{it+1} = \psi_0 + \psi_1 SI_{it} + \psi_2 OVC_{it} + \psi_3 SI_{it} \times OVC_{it} + \sum_{j=1}^8 \gamma_j Controls_{j,it} + \varepsilon_{it+1} \quad \text{رابطه ۲}$$

بر اساس فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، انتظار می‌رود که بیش اطمینانی مدیران با تشدید رفتار تغییر طبقه‌بندی مدیران، رابطه مثبت بین SI_{it} و $UE.CE_{it}$ و رابطه منفی بین SI_{it} و $UE.\Delta CE_{it+1}$ را تقویت کند. به بیان دیگر، انتظار می‌رود ضریب متغیر تعاملی $SI_{it} \times OVC_{it}$ در مدل‌های ۱ و ۲، به‌ترتیب، مثبت و منفی باشد. در قیاس با مدیران بیش اطمینان که توانایی اندکی دارند، مدیران بیش اطمینانی که از توانایی بالایی برخوردارند، به دلیل قابلیت‌های منحصربه‌فرد خود، به‌طور معمول قادرند به اهداف مدنظر خود جامه عمل بپوشانند و از این رو، انگیزه کمتری برای مدیریت سود دارند. به بیان دیگر، انتظار می‌رود توانایی مدیریتی شدت تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی را تعدیل کند. در ادامه، برای بررسی تأثیر توانایی مدیریتی ($H.Ability_{it}$) بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و تغییر طبقه‌بندی، مدل‌های زیر برآزش شده‌اند.

$$UE.CE_{it} = \phi_0 + \phi_1 SI_{it} + \phi_2 OVC_{it} + \phi_3 SI_{it} \times OVC_{it} + \phi_4 H.Ability_{it} + \phi_5 H.Ability_{it} \times SI_{it} + \phi_6 H.Ability_{it} \times OVC_{it} + \phi_7 H.Ability_{it} \times SI_{it} \times OVC_{it} + \sum_{j=1}^8 \gamma_j Controls_{j,it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

$$\begin{aligned}
 UE.\Delta CE_{it+1} = & \psi_0 + \psi_1 SI_{it} + \psi_2 OVC_{it} + \psi_3 SI_{it} \times OVC_{it} + \psi_4 H.Ability_{it} \\
 & + \psi_5 H.Ability_{it} \times SI_{it} + \psi_6 H.Ability_{it} \times OVC_{it} + \psi_7 H.Ability_{it} \\
 & \times SI_{it} \times OVC_{it} + \sum_{j=1}^8 \gamma_j Controls_{j,it} + \epsilon_{it+1}
 \end{aligned}
 \quad \text{(رابطه ۴)}$$

بر اساس فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش، انتظار می‌رود توانایی مدیریتی رابطه مثبت بین $SI_{it} \times OVC_{it}$ و $UE.CE_{it}$ و رابطه منفی بین $SI_{it} \times OVC_{it}$ و $UE.\Delta CE_{it+1}$ را تعدیل کند. به عبارت دیگر، پیش‌بینی می‌شود که ضریب متغیر تعاملی $H.Ability_{it} \times SI_{it} \times OVC_{it}$ در دو مدل ۳ و ۴، به ترتیب، منفی و مثبت باشد. در ادامه، تعریف عملیاتی متغیرها ارائه شده است.

سنجش سود اصلی غیرمنتظره ($UE.CE_{it}$) و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی ($UE.\Delta CE_{it}$)

برای اندازه‌گیری سود اصلی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی، با پیروی از مکوی (۲۰۰۶) و ثقفی و جمالیان‌پور (۱۳۹۷) به ترتیب مدل‌های رگرسیونی ۵ و ۶ به صورت مقطعی و در سطح هر صنعت (۱۲۰ سال - صنعت)، برآورد شده‌اند:

$$\begin{aligned}
 CE_t = & \alpha_0 + \alpha_1 CE_{t-1} + \alpha_2 ATO_t + \alpha_3 OACC_{t-1} + \alpha_4 OACC_t + \alpha_5 \Delta Sale_t \\
 & + \alpha_6 Neg.\Delta Sale_t + \epsilon_t
 \end{aligned}
 \quad \text{(رابطه ۵)}$$

$$\begin{aligned}
 \Delta CE_t = & \beta_0 + \beta_1 CE_{t-1} + \beta_2 \Delta CE_{t-1} + \beta_3 \Delta ATO_t + \beta_4 OACC_{t-1} + \beta_5 OACC_t \\
 & + \beta_6 \Delta Sale_t + \beta_7 Neg.\Delta Sale_t + v_t
 \end{aligned}
 \quad \text{(رابطه ۶)}$$

که در آن‌ها، CE_t و ΔCE_t به ترتیب سود اصلی (خالص درآمدها منهای بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های عمومی، اداری و فروش) و تغییرات آن است که با مبلغ درآمد فروش، همگن شده‌اند. ATO_t و ΔATO_t به ترتیب، نسبت گردش خالص دارایی‌های عملیاتی (نسبت فروش بر میانگین مبالغ ابتدا و انتهای دوره خالص دارایی‌های عملیاتی) و تغییرات آن است. خالص دارایی‌های عملیاتی معادل با دارایی‌های عملیاتی (کل دارایی‌ها منهای وجوه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت) منهای بدهی‌های عملیاتی (کل دارایی‌ها منهای بدهی‌های بهره‌دار و ارزش دفتری سهام عادی) تعریف می‌شود. $OACC_t$ اقلام تعهدی عملیاتی (سود عملیاتی منهای جریان وجوه نقد عملیاتی) همگن‌شده با درآمد فروش و $\Delta Sale_t$ درصد تغییرات درآمد فروش است. همچنین، $Neg.\Delta Sale_t$ به ازای مقادیر منفی $\Delta Sale_t$ ، معادل با مقادیر همین متغیر و به ازای مقادیر مثبت $\Delta Sale_t$ ، ارزش صفر خواهد داشت. باقی‌مانده مدل‌های ۵ و ۶ به ترتیب بیانگر سود اصلی غیرمنتظره ($UE.CE_{it}$) و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی ($UE.\Delta CE_{it}$) است.

سنجش اندازه کاهش در سود غیر اصلی (SI_{it})

برای سنجش اندازه کاهش در سود غیر اصلی (SI_{it})، ابتدا با اقتباس از مکوی (۲۰۰۶) و پیروی از ثقفی و جمالیان‌پور (۱۳۹۷)، نسبت سود غیر اصلی به صورت تفاضل سود قبل از کسر مالیات و سود اصلی تقسیم بر درآمد فروش محاسبه

شده است؛ سپس به ازای مقادیر منفی این نسبت، مقدار SI_{it} برابر با قدرمطلق مقادیر این متغیر در نظر گرفته شده و به ازای مقادیر مثبت آن (یعنی افزایش در سود غیراصلی)، مقدار SI_{it} برابر صفر لحاظ شده است.

سنجش بیش‌اطمینانی مدیران (OVC_{it})

مدیران بیش‌اطمینان بیش از سایر مدیران به بیش‌سرمایه‌گذاری^۱ می‌پردازند (شراند و زچمن، ۲۰۱۲) و مبالغ بیشتری صرف مخارج سرمایه‌ای^۲ می‌کنند (احمد و دولمن، ۲۰۱۳). بر این اساس، برای سنجش بیش‌اطمینانی مدیران، دو معیار زیر لحاظ شده است:

بیش‌سرمایه‌گذاری: برای تعیین شرکت‌های بیش‌سرمایه‌گذار، با پیروی از بیدل، هیلاری و وردی^۳ (۲۰۰۹) و شراند و زچمن (۲۰۱۲)، نخست در هر سال - صنعت، درصد رشد دارایی‌ها روی درصد رشد درآمد فروش، برآزش شده و جمله باقی‌مانده استخراج شده است. در هر سال - صنعت، شرکت‌هایی که جمله باقی‌مانده مدل برای آن‌ها بیش از مقدار میانه صنعت باشد، بیش‌سرمایه‌گذار تلقی می‌شوند.

مخارج سرمایه‌ای: با پیروی از احمد و دولمن (۲۰۱۳)، در هر سال، شرکت‌هایی که خالص مبالغ صرف‌شده آن‌ها برای خرید دارایی‌های ثابت، بیش از مقدار میانه صنعت آن باشد، بیش‌سرمایه‌گذار در مخارج سرمایه‌ای، تلقی می‌شوند. در ادامه، برای هر شرکت که از هر دو ویژگی فوق برخوردار باشد، متغیر OVC_{it} ارزش ۱ و برای سایر شرکت‌ها ارزش صفر خواهد داشت.

سنجش توانایی مدیریتی ($H. Ability_{it}$)

برای سنجش توانایی مدیریتی، با پیروی از دمرجیان، لو و مکوی^۴ (۲۰۱۲)، نخست با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها^۵، کارایی کلی^۶ هر شرکت سنجیده شده است.^۷ در این تحلیل، از بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، مبلغ ابتدای دوره اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و دارایی‌های نامشهود به‌عنوان متغیرهای ورودی^۸ و از درآمد فروش به‌عنوان متغیر خروجی استفاده شده است. در ادامه، در هر سال - صنعت کارایی کلی واحد تجاری روی متغیرهای اندازه شرکت (لگاریتم دارایی‌های در مبنای ده)، سهم بازار^۹ (نسبت درآمد فروش شرکت به مجموع درآمد فروش صنعت)، جریان وجوه نقد آزاد^{۱۰} (با پیروی از فالكندر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۲)، این متغیر معادل با سود عملیاتی منهای هزینه‌های مالی و مالیات، تقسیم بر کل دارایی‌ها است که میانگین مخارج سرمایه‌ای صنعت از آن کسر شده است)، لگاریتم طبیعی عمر شرکت از زمان تأسیس و متغیر مجازی وجود درآمدهای صادراتی، برآزش شده و جمله خطا که

1. Over-investment

2. Capital expenditure

3. Biddle, Hilary & Verdi

4. Demerjian, Lev & McVay

5. Data envelopment analysis (DEA)

6 Total efficiency

۷. برای محاسبه کارایی کلی شرکت‌ها، از بسته dea در نرم‌افزار استتا استفاده شده است.

8. Input

9. Market share

10. Free cash flow

11. Faulkender

معادل کارایی مدیریتی^۱ است، استخراج شده است. درنهایت، با پیروی از چوی، گان و سو (۲۰۲۴)، شرکت‌هایی که کارایی مدیریتی آن‌ها در چارک چهارم این متغیر قرار می‌گیرد، به‌عنوان شرکت‌هایی با مدیران توانا تعریف شده و متغیر $H.Ability_{it}$ ارزش ۱ خواهد داشت و در سایر موارد، مقدار متغیر $H.Ability_{it}$ معادل صفر خواهد بود.

سنجش متغیرهای کنترلی ($Controls_{j,it}$)

نماد $\sum_{j=1}^8 \gamma_j Controls_{j,it}$ به دو گروه از متغیرهای کنترلی اشاره دارد که با پیروی از بنسال و همکاران (۲۰۲۳) در مدل‌های ۱ تا ۴ لحاظ شده‌اند. گروه نخست برای کنترل اثر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها، شامل اندازه شرکت ($Size$) (لگاریتم دارایی‌ها در مبنای ده)، فرصت‌های رشد (MTB) (نسبت مجموع ارزش دفتری بدهی‌ها و ارزش بازار سهام به ارزش دفتری دارایی‌ها)، سودآوری (ROA) (نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها)، نسبت اهرمی (LEV) (نسبت تسهیلات مالی دریافتی به کل دارایی‌ها) و گروه دوم برای لحاظ کردن اثر مدیریت سود حسابداری (اقدام تعهدی اختیاری حاصل از مدل جونز تعدیل‌شده توسط کوتاری، لئون و وازلی^۲، ۲۰۰۵، $AACC$)^۳ و مدیریت سود واقعی (با پیروی از رویچوداری^۴، ۲۰۰۶) معادل با جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی $ACFO$ ، هزینه‌های تولید غیرعادی $APROD$ و هزینه‌های اختیاری غیرعادی ($ADISX$)، در مدل‌ها گنجانده شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

برای ایجاد درک کلی از وضعیت شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای اصلی پژوهش، آماره‌های توصیفی در جدول ۱ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که نزدیک به ۳۰ درصد سال - شرکت‌ها (۴۹۵ مشاهده)، دارای مدیران بیش اطمینان و ۲۵ درصد سال - شرکت‌ها (۴۱۴ مشاهده) دارای مدیرانی با توانایی زیاد، بوده‌اند. همچنین، ۷۵۲ سال - شرکت کاهش در سود عملیاتی و ۲۳۱ سال - شرکت، کاهش در درآمد فروش را تجربه کرده‌اند. افزون‌بر آن، نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های موردبررسی، مجموع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها نزدیک به ۲/۷ برابر ارزش دفتری دارایی‌ها، سود خالص معادل ۱۸ درصد دارایی‌ها و نسبت تسهیلات دریافتی معادل ۱۹ درصد دارایی‌ها است. سود اصلی شرکت‌ها معادل ۲۵ درصد درآمد فروش آن‌ها است و درآمد فروش حدود ۳۹ درصد رشد داشته است. همچنین، نتایج بیانگر آن است که شرکت‌ها به‌طور میانگین نزدیک به ۲/۵ برابر خالص دارایی‌های عملیاتی خود، فروش داشته‌اند و حجم اقلام تعهدی عملیاتی آن‌ها معادل ۱۰ درصد درآمد فروش است.

1. Managerial efficiency

2. Kothari, Leone & Wasley

۳. برای این منظور، مدل کوتاری، لئون و وازلی (۲۰۰۵) در سطح هر سال - صنعت، برازش شده و جمله خطای این مدل به‌عنوان اقلام تعهدی اختیاری، استخراج شده است.

4. Roychowdhury

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	صدک ۲۵	میان	صدک ۷۵	حداکثر
UE.CE	۰/۰۰۳۲	۰/۰۵۱۸	-۰/۲۸۳۷	-۰/۰۲۹۴	۰/۰۰۲۷	۰/۰۲۷۶	۰/۲۹۱۹
UE.ΔCE	۰/۰۰۱۸	۰/۰۴۴۸	-۰/۲۲۰۶	-۰/۰۲۲۱	۰/۰۰۲۱	۰/۰۲۴۵	۰/۱۹۴۴
SI	۰/۰۳۵۱	۰/۱۰۹۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۴۵	۰/۹۲۴۷
OVC	۰/۲۹۸۹	۰/۴۵۷۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
H.Ability	۰/۲۵۰۰	۰/۴۳۳۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۵۰۰۰	۱/۰۰۰۰
Size	۶/۵۷۱۸	۰/۸۴۳۲	۴/۳۴۶۹	۵/۹۴۹۰	۶/۴۵۱۹	۷/۱۴۹۲	۸/۶۱۶۲
MTB	۲/۷۸۰۴	۲/۳۵۰۹	۱/۰۷۴۵	۱/۴۰۳۷	۲/۰۲۴۴	۳/۱۷۰۸	۱۵/۶۹۴۱
ROA	۰/۱۷۸۵	۰/۱۳۸۰	-۰/۲۳۳۹	۰/۰۷۳۳	۰/۱۴۸۷	۰/۲۵۷۳	۰/۵۷۵۷
LEV	۰/۱۸۵۲	۰/۱۵۸۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۴۹۴	۰/۱۵۲۶	۰/۲۸۲۴	۰/۷۴۸۴
AACC	-۰/۰۰۲۳	۰/۱۲۴۳	-۰/۵۸۳۵	-۰/۰۷۰۵	۰/۰۰۰۴	۰/۰۶۴۷	۰/۵۷۶۶
ACFO	۰/۰۰۰۹	۰/۱۴۲۸	-۰/۶۱۰۷	-۰/۰۸۰۸	-۰/۰۰۳۸	۰/۰۷۹۲	۰/۶۱۰۰
APROD	-۰/۰۰۴۲	۰/۱۳۷۲	-۰/۷۲۴۱	-۰/۰۷۳۵	۰/۰۰۳۳	۰/۰۶۸۹	۰/۶۸۸۶
ADISX	۰/۰۰۰۳	۰/۰۴۷۵	-۰/۱۵۷۰	-۰/۰۲۲۵	-۰/۰۰۵۹	۰/۰۱۳۶	۰/۲۵۵۶
CE	۰/۲۵۳۴	۰/۱۹۷۵	-۰/۷۸۲۶	۰/۱۰۶۶	۰/۲۲۳۱	۰/۳۶۲۵	۰/۹۹۷۴
ΔCE	۰/۰۰۲۳	۰/۱۰۵۶	-۰/۶۵۷۷	-۰/۰۴۳۲	۰/۰۰۱۴	۰/۰۴۴۰	۰/۵۱۸۴
ATO	۲/۴۷۶۴	۲/۸۳۷۲	۰/۰۱۱۴	۱/۰۳۵۴	۱/۶۲۷۵	۲/۷۷۸۸	۸/۵۲۵۷
OACC	۰/۰۹۲۹	۰/۲۲۰۲	-۱/۳۴۴۹	-۰/۰۰۴۹	۰/۰۶۷۲	۰/۱۷۸۶	۱/۰۶۰۰
ΔSale	۰/۳۸۵۴	۰/۴۶۵۱	-۰/۶۵۹۸	۰/۱۰۶۵	۰/۳۰۷۹	۰/۵۷۰۱	۳/۲۱۸۷
Neg.ΔSale	-۰/۰۲۳۸	۰/۰۸۲۴	-۰/۶۵۹۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون

محاسبه سود اصلی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی

همان‌طور که پیش‌ازاین بیان شد، برای سنجش سود اصلی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی، مدل‌های ۵ و ۶ به‌صورت مقطعی و در سطح هر صنعت برازش شده و جمله خطای آن‌ها به‌ترتیب معادل با سود اصلی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی تعریف گردیده است. با وجود این، برای کسب یک دیدگاه از روابط بین متغیرهای توضیحی و وابسته این مدل‌ها، نتایج برازش آن‌ها با رویکرد فاما و مک‌بث^۱ (۱۹۷۳) در جدول ۲ ارائه شده است.

نتایج برازش مدل ۵ نشان می‌دهد که ضریب متغیر تغییرات منفی درآمد فروش در سطح ۱۰ درصد و ضریب سایر متغیرها در سطح ۱ درصد، معنادار است. در برازش مدل ۶ ضریب دو متغیر تغییرات نسبت گردش دارایی‌ها و تغییرات منفی درآمد فروش، معنادار نیست، عرض از مبدأ و ضریب متغیر تغییرات سود اصلی دوره قبل در سطح ۵ درصد و ضریب سایر متغیرها در سطح ۱ درصد، معنادار است. مقادیر معیار تورم واریانس برای هر متغیر کمتر از ۱۰ و بیانگر هم‌خط نبودن

1. Fama & MacBeth

متغیرهای توضیحی مدل‌ها و معناداری آماره فیشر در سطح خطای ۱ درصد، بیانگر معنادار بودن هر دو مدل است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مدل‌های ۵ و ۶ به ترتیب حدود ۶۲ و ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته آن مدل را تبیین می‌کنند. افزون‌بر آن، علامت ضرایب هر دو مدل، با یافته‌های مک‌وی (۲۰۰۶) هم‌خوانی دارد.

جدول ۲. نتایج برازش مدل‌های ۵ و ۶ با رویکرد فاما و مک‌بث (۱۹۷۳)

مدل (۶) متغیر وابسته: ΔCE_t			مدل (۵) متغیر وابسته: CE_t			نماد متغیرها
VIF	آماره t	ضریب	VIF	آماره t	ضریب	
۱/۵۶	-۱۰/۴۰	-۰/۱۴۴۳***	۱/۶۵	۴۹/۲۵	۰/۸۲۲۱***	CE_{t-1}
۱/۰۸	-۲/۴۵	-۰/۱۲۰۷**				ΔCE_{t-1}
			۱/۱۶	-۳/۴۹	-۰/۰۰۴۲***	ATO_t
۱/۰۶	۰/۴۰	۰/۰۰۰۶				ΔATO_t
۱/۶۶	-۴/۵۹	-۰/۱۰۸۲***	۱/۶۳	-۴/۲۶	-۰/۱۳۳۶***	$OACC_{t-1}$
۱/۳۵	۵/۲۷	۰/۱۷۳۰***	۱/۳۴	۶/۰۰	۰/۱۷۶۱***	$OACC_t$
۱/۳۲	۳/۳۵	۰/۰۴۲۶***	۱/۳۲	۴/۲۸	۰/۰۶۲۴***	$\Delta Sale_t$
۱/۲۷	۰/۱۳	۰/۰۰۸۴	۱/۲۶	۱/۶۹	۰/۰۳۲۷*	$Neg. \Delta Sale$
--	۲/۳۲	۰/۰۱۵۶**	--	۴/۴۶	۰/۰۲۸۱***	عرض از مبدأ
۰/۳۹۶۸			۰/۶۱۷۱			میانگین ضریب تعیین
۵۵/۵۸***			۸۱/۹۲***			آماره فیشر

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد

نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، نتایج برآورد مدل‌های ۱ و ۲ در جدول ۳ گزارش شده است. در برازش مدل ۱، عرض از مبدأ (۰/۰۰۹۶) و ضریب متغیرهای اندازه کاهش سود غیراصلی (۰/۱۲۵۱)، بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۳۳۳) و جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی (۰/۱۱۳۴-) در سطح ۱ درصد و ضریب متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۸۱۹) و اندازه شرکت (۰/۰۰۱۰) در سطح ۵ درصد معنادارند و ضریب سودآوری شرکت (۰/۰۰۵۵-) در سطح ۱۰ درصد معنادار است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مدل ۱ هم‌خط نیستند و نزدیک به ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۸۱۹) بیانگر آن است که بیش اطمینانی مدیران رابطه مثبت بین اندازه کاهش سود غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره (۰/۱۲۵۱) را تقویت کرده و این موضوع بیانگر عدم رد فرضیه اول پژوهش است. افزون‌بر آن، نتایج نشان می‌دهد که کاهش جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی و سودآوری و افزایش اندازه شرکت موجب افزایش سود اصلی غیرمنتظره شرکت شده است. در برآورد مدل ۲، ضریب متغیرهای اندازه کاهش سود غیراصلی (۰/۱۰۳۰-)، اندازه شرکت (۰/۰۰۱۹-)، سودآوری شرکت (۰/۰۳۸۳) و جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی

(۰/۰۶۹۰) در سطح ۱ درصد، عرض از مبدأ (۰/۰۰۸۹) و ضریب متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۴۰۳-) در سطح ۵ درصد و ضریب متغیرهای بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۰۱۷-)، نسبت اهرمی (۰/۰۰۵۰) و هزینه‌های تولید غیرعادی (۰/۰۰۶۴-) در سطح ۱ درصد، معنادارند. نتایج بیان می‌کند که متغیرهای توضیحی مدل ۲ مشکل هم‌خطی ندارند و حدود ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. منفی و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۴۰۳-) نشان می‌دهد که بیش اطمینانی مدیران رابطه منفی بین اندازه کاهش در سود غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی (۰/۱۰۳۰-) را تقویت می‌کند و این نتیجه، بیانگر عدم رد فرضیه دوم پژوهش است. افزون‌برآن، نتایج نشان می‌دهد که کاهش اندازه شرکت و افزایش سودآوری، نسبت اهرمی و جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی، موجب افزایش سود اصلی غیرمنتظره شرکت شده است.

جدول ۳. نتایج برازش مدل‌های ۱ و ۲

نماد متغیرها			مدل ۱ متغیر وابسته: UE.CE			مدل ۲ متغیر وابسته: UE.ΔCE		
	ضریب	آماره t	VIF	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	VIF
SI	۰/۱۲۵۱***	۳/۲۴	۴/۸۴	۰/۱۰۳۰***	-۴/۷۱	۱/۶۱		
OVC	۰/۰۳۳۳***	۳/۱۷	۲/۷۰	۰/۰۰۱۷*	-۱/۹۰	۱/۴۰		
SI×OVC	۰/۰۸۱۹**	۲/۲۳	۴/۹۲	۰/۰۴۰۳**	-۲/۳۸	۱/۳۵		
Size	۰/۰۰۱۰**	۲/۰۰	۲/۰۳	۰/۰۰۱۹***	-۳/۶۰	۱/۴۵		
MTB	۰/۰۰۴۵	۰/۲۱	۱/۸۰	۰/۰۱۰۲	-۰/۵۲	۱/۳۰		
ROA	۰/۰۰۵۵*	-۱/۸۱	۴/۵۵	۰/۰۳۸۳***	۹/۴۹	۲/۱۶		
LEV	۰/۰۰۱۷	۰/۵۲	۱/۹۶	۰/۰۰۵۰*	۱/۶۷	۱/۶۸		
AACC	۰/۰۰۲۰	-۰/۳۳	۲/۳۶	۰/۰۰۴۵	-۰/۹۱	۳/۲۶		
ACFO	۰/۱۱۳۴***	-۱۹/۲۴	۲/۹۲	۰/۰۶۹۰***	۱۳/۶۷	۴/۰۲		
APROD	۰/۰۰۴۲	۱/۰۰	۲/۴۷	۰/۰۰۶۴*	-۱/۷۱	۲/۰۹		
ADISX	۰/۰۰۴۶	۰/۵۳	۱/۲۶	۰/۰۰۴۳	-۰/۴۷	۱/۴۵		
عرض از مبدأ	۰/۰۰۹۶***	-۲/۰۴	---	۰/۰۰۸۹**	۲/۰۶	---		
اثرهای سال‌ها	کنترل شد			کنترل شد			کنترل شد	
اثرهای صنایع	کنترل شد			کنترل شد			کنترل شد	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۹۷۸			۰/۳۵۱۰				
آماره فیشر	۳۴/۶۱***			۴۴/۸۰***				

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد

در مجموع، نتایج حاصل از برازش مدل‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که افزایش در بیش اطمینانی مدیران، میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی را در شرکت‌ها تشدید می‌کند.

نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش، نتایج برازش مدل‌های ۳ و ۴ در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج برازش مدل‌های ۳ و ۴

مدل ۴ متغیر وابسته: UE.ACE			مدل ۳ متغیر وابسته: UE.CE			نماد متغیرها
VIF	آماره t	ضریب	VIF	آماره t	ضریب	
۱/۸۸	-۲/۲۴	-۰/۱۲۳۱**	۲/۷۰	۲/۷۵	-۰/۱۲۷۷***	SI
۲/۸۶	-۲/۰۳	-۰/۰۱۰۱**	۳/۹۶	۳/۷۶	-۰/۰۳۸۸***	OVC
۱/۸۸	-۲/۵۱	-۰/۰۴۶۳**	۲/۶۰	۲/۴۰	-۰/۰۷۵۶**	SI×OVC
۲/۴۲	۵/۰۸	-۰/۰۴۹۶***	۲/۵۴	-۳/۷۵	-۰/۰۴۱۵***	H_Ability
۱/۹۶	۱/۷۶	-۰/۰۰۹۵*	۱/۷۲	-۲/۰۶	-۰/۰۴۱۴**	H_Ability×SI
۲/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۰۰۹۰	۱/۸۹	۱/۸۹	-۰/۰۰۴۷*	H_Ability×OVC
۱/۹۹	۲/۰۳	-۰/۰۲۳۳**	۱/۶۸	-۲/۲۵	-۰/۰۳۳۸**	H_Ability×SI×OVC
۱/۵۷	-۲/۳۷	-۰/۰۶۸۶**	۲/۳۲	۲/۰۹	-۰/۰۳۷۵**	Size
۱/۶۸	۲/۲۸	-۰/۰۳۰۵**	۱/۵۷	-۲/۳۱	-۰/۰۶۰۹**	MTB
۲/۳۵	۱/۵۰	-۰/۰۰۵۹	۲/۵۰	-۱/۲۵	-۰/۰۰۵۴	ROA
۲/۰۷	-۱/۹۴	-۰/۰۲۷۳*	۳/۸۵	۱/۸۵	-۰/۰۲۶۹*	LEV
۲/۰۰	۱/۱۴	-۰/۰۰۵۳	۲/۲۴	-۱/۱۲	-۰/۰۰۶۲	AACC
۲/۳۷	۸/۴۳	-۰/۰۸۲۹***	۳/۵۵	-۶/۸۳	-۰/۰۱۲۰***	ACFO
۲/۳۳	-۱/۳۸	-۰/۰۰۴۷	۲/۲۹	۰/۵۵	-۰/۰۰۲۰	APROD
۱/۳۸	-۳/۰۰	-۰/۰۲۹۳***	۲/۰۲	۲/۴۸	-۰/۰۲۴۵**	ADISX
--	۲/۵۸	-۰/۰۱۱۲**	--	-۰/۹۱	-۰/۰۰۴۳	عرض از مبدأ
کنترل شد			کنترل شد			اثرهای سال‌ها
کنترل شد			کنترل شد			اثرهای صنایع
۰/۳۷۴۶			۰/۴۳۵۸			ضریب تعیین تعدیل شده
۲۷/۷۱***			۷۱/۱۴***			آماره فیشر

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد

در برآورد مدل ۳، ضریب متغیرهای اندازه کاهش در سود غیراصلی (۰/۱۲۷۷)، بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۳۸۸)، توانایی مدیریتی (۰/۰۴۱۵) و جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی (۰/۱۲۰۰) در سطح ۱ درصد، ضریب متغیرهای تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۷۵۶)، توانایی مدیریتی در اندازه کاهش سود غیراصلی (۰/۰۴۱۴)، توانایی مدیریتی در اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۳۳۸)، اندازه شرکت (۰/۰۳۷۵)، فرصت‌های رشد (۰/۰۶۰۹) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی (۰/۰۲۴۵) در سطح ۵ درصد و ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیریتی در بیش اطمینانی مدیران (۰/۰۰۴۷) و نسبت اهرمی (۰/۰۲۶۹) در سطح ۱۰ درصد، معنادارند. نتایج بیان می‌کند که متغیرهای توضیحی مدل ۳ هم‌خطی ندارند و حدود ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح

می‌دهند. منفی و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیریتی در اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش‌اطمینانی مدیران ($-0/0338$) بیانگر آن است که با افزایش در توانایی مدیریتی، میزان تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر رابطه بین اندازه کاهش سود غیراصلی و سود اصلی غیرمنتظره ($0/0756$)، تضعیف می‌شود. این نتیجه مؤید عدم رد فرضیه سوم پژوهش است. افزون‌برآن، نتایج نشان می‌دهد که کاهش در فرصت‌های رشد و جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی و افزایش در اندازه و نسبت اهرمی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی شرکت، افزایش سود اصلی غیرمنتظره را به دنبال دارد. در برازش مدل ۴، ضریب متغیرهای توانایی مدیریتی ($0/0496$)، جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی ($0/0829$) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی ($-0/0293$) در سطح ۱ درصد، عرض از مبدأ ($0/0112$) و ضریب متغیرهای اندازه کاهش سود غیراصلی ($-0/1231$)، بیش‌اطمینانی مدیران ($-0/0101$)، متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش‌اطمینانی مدیران ($-0/0463$)، متغیر تعاملی توانایی مدیریتی در اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش‌اطمینانی مدیران ($0/0234$)، اندازه شرکت ($-0/0686$) و فرصت‌های رشد ($0/0305$) در سطح ۵ درصد و ضریب متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش‌اطمینانی مدیران ($0/0095$) و نسبت اهرمی ($-0/0272$) در سطح ۱۰ درصد، معنادارند. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مدل ۴ هم‌خط نیستند و حدود ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیریتی در اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش‌اطمینانی مدیران ($0/0234$) نشان می‌دهد که با افزایش در توانایی مدیریتی، میزان تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر رابطه بین سود غیراصلی و تغییرات غیرمنتظره سود اصلی ($-0/0463$)، تضعیف می‌شود. این یافته‌ها بیانگر عدم رد فرضیه چهارم پژوهش است. افزون‌برآن، نتایج نشان می‌دهد که کاهش در اندازه شرکت، نسبت اهرمی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی شرکت و افزایش فرصت‌های رشد و جریان وجوه نقد عملیاتی غیرعادی، افزایش تغییرات غیرمنتظره سود اصلی را در پی دارد. در مجموع، نتایج حاصل از برآورد مدل‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد که با افزایش در توانایی مدیریتی، بیش‌اطمینانی مدیران تأثیر کمتری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی خواهد داشت و توانایی مدیریتی نقش یک متغیر تعدیلگر را بازی می‌کند.

نتایج آزمون استحکام

در بخش‌های قبل، از دو معیار بیش‌سرمایه‌گذاری و مخارج سرمایه‌ای برای تعریف بیش‌اطمینانی مدیران استفاده شد. برای اطمینان از حساس نبودن نتایج پژوهش به نحوه سنجش این متغیر، در این بخش با پیروی از چوی و همکاران (2023) از دو معیار توزیع سود نقدی و نسبت تسهیلات مالی دریافتی بلندمدت به ارزش بازار سهام استفاده شده است. با باور چوی و همکاران (2023)، چون مدیران بیش‌اطمینان نسبت به توان واحد تجاری تحت مدیریت خود برای بازپرداخت بدهی‌ها از اطمینان بالایی برخوردارند، به‌طور معمول بیش از سایر مدیران اقدام به دریافت تسهیلات مالی بلندمدت می‌کنند. افزون‌برآن، چون مدیران بیش‌اطمینان باور دارند که می‌توانند از وجوه نقد انباشته‌شده در واحد تجاری، بازده بالایی کسب کنند، تمایل چندانی به پرداخت سود نقدی ندارند. بر این اساس، در هر سال شرکت‌هایی که نسبت تسهیلات مالی دریافتی بلندمدت به ارزش بازار سهام آن‌ها بیش از مقدار میانه در سطح صنعت بوده و نسبت سود نقدی

به عایدی هر سهم آن‌ها کمتر از میانه این متغیر در سطح صنعت است، به‌عنوان شرکت‌هایی با مدیران بیش اطمینان در نظر گرفته شد و فرضیه‌های پژوهش مجدداً آزمون و نتایج آن‌ها در جدول ۵، ارائه شد. با هدف حفظ فضای مقاله و تلخیص نتایج، صرفاً ضرایب موردنیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون استحکام

مدل ۲ متغیر وابسته: UE.ACE		مدل ۱ متغیر وابسته: UE.CE		نماد متغیر
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	
-۰/۱۴۵۶***	-۲/۶۶	۰/۱۷۱۸***	۴/۳۰	SI
-۰/۰۱۸۵**	-۲/۳۰	۰/۰۲۵۶***	۲/۸۹	OVC
-۰/۰۵۶۳**	-۲/۰۹	۰/۰۷۹۴**	۲/۲۴	SI×OVC
مدل ۴ متغیر وابسته: UE.ΔCE		مدل ۳ متغیر وابسته: UE.CE		نماد متغیر
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	
-۰/۱۰۹۳**	-۲/۳۲	۰/۱۳۸۳**	۲/۰۳	SI
-۰/۰۰۳۲	-۰/۳۹	۰/۰۰۸۳	۰/۶۲	OVC
-۰/۰۴۵۰**	-۲/۴۳	۰/۰۶۲۶**	۲/۵۰	SI×OVC
۰/۰۳۳۹***	۳/۳۵	-۰/۰۱۵۳***	-۳/۴۹	H_Ability
۰/۰۲۳۳*	۱/۸۴	-۰/۰۳۶۴**	-۲/۵۱	H_Ability×SI
۰/۰۲۱۲*	۱/۸۳	-۰/۰۰۱۱	-۰/۴۶	H_Ability×OVC
۰/۰۳۰۱*	۱/۷۶	-۰/۰۳۶۳**	-۲/۰۹	H_Ability×SI×OVC

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد

در بخش الف، نتایج برازش مدل‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران، به ترتیب مثبت (۰/۰۷۹۴) و منفی (-۰/۰۵۶۳) و در سطح ۵ درصد، معنادار است. این نتایج که با فرضیه‌های اول و دوم پژوهش سازگار است، اثر فزاینده بیش اطمینانی مدیران بر رفتار تغییر طبقه‌بندی آنان را تأیید می‌کند. در بخش ب، نتایج برازش مدل‌های ۳ و ۴ بیانگر آن است که ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیریتی در اندازه کاهش سود غیراصلی در بیش اطمینانی مدیران، به ترتیب منفی (-۰/۰۳۶۳) و مثبت (۰/۰۳۰۱) است. این نتایج که با فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش هم‌خوانی دارد، اثر تضعیف‌کننده توانایی مدیریتی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و تغییر طبقه‌بندی را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در زمینه مدیریت سود، به‌طور معمول ادبیات حسابداری روی دست‌کاری اقلام تعهدی اختیاری و فعالیت‌های تجاری واقعی شرکت‌ها متمرکز بوده است و به مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، کمتر توجه

شده است. به علاوه، در پژوهش‌های موجود درباره تغییر طبقه‌بندی، اغلب اثر ویژگی‌های شرکت یا حساب‌رسان بر پدیده تغییر طبقه‌بندی بررسی شده و به تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران، کمتر پرداخته شده است. در راستای پوشش این خلأ، نتایج این پژوهش که رواج پدیده تغییر طبقه‌بندی در شرکت‌های ایرانی را تأیید می‌کند با یافته‌های هاشمی و ربیعی (۱۳۹۲)، ثقفی و جمالیان‌پور (۱۳۹۷)، حمیدیان و همکاران (۱۳۹۷)، ایمنی و مشعشعی (۱۴۰۱)، افلاطونی، ارجمند و مهدی‌قلی (۱۴۰۲) و عبدلی و فرجی (۱۴۰۲) سازگاری دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که بیش‌اطمینانی مدیران، تشدید در رفتار تغییر طبقه‌بندی را به دنبال دارد و توانایی مدیریتی قادر است رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و تغییر طبقه‌بندی را تعدیل کند. این نتایج با یافته‌های چوی و همکاران (۲۰۲۴) سازگار است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پدیده تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، به منظور بیش‌نمایی سود عملیات اصلی واحدهای تجاری رواج دارد. به همین دلیل، توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران هنگام اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، نه تنها به مقادیر سود اصلی، بلکه به روند تغییرات اقلام درآمدی و هزینه‌ای عملیات غیراصلی شرکت‌ها نیز توجه کنند. همچنین، حساب‌رسان می‌توانند برای شناسایی پدیده تغییر طبقه‌بندی در سطح شرکت‌ها، رویه‌های حرفه‌ای طراحی کنند. از آنجایی که تغییر طبقه‌بندی نه بر اساس تغییرات اقتصادی واقعی، بلکه بر مبنای رفتار فرصت‌طلبانه مدیران صورت می‌گیرد، لازم است مقررات خاصی برای پیشگیری از این رفتار غیراخلاقی تدوین شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران، مقررات و سازوکارهای نظارتی بیشتری برای تحدید اثرهای منفی بیش‌اطمینانی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی ایجاد کنند.

به پژوهشگران آتی نیز پیشنهاد می‌شود تا تأثیر سایر مؤلفه‌های رفتاری مدیران (مانند خوش‌بینی^۱ و خودشیفتگی^۲) و مؤلفه‌های فرهنگی^۳ را بر مدیریت سود، از طریق تغییر طبقه‌بندی بررسی کنند. همچنین، مقایسه این موضوع بین صنایع مختلف می‌تواند نتایج ارزشمندی به همراه داشته باشد.

برای اطمینان از استحکام نتایج این پژوهش، روش‌های مختلفی استفاده شده است، مانند کنترل ویژگی‌های خاص شرکت‌ها و اثرهای ثابت سال‌ها و صنایع، کنترل اثر مدیریت سود حسابداری و واقعی و استفاده از تعریفی جایگزین برای سنجش بیش‌اطمینانی؛ با وجود این احتمال دارد که در تعمیم نتایج پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشته باشد. برای نمونه، به کارگیری تعاریف عملیاتی جایگزین برای سنجش توانایی مدیریتی (مانند مدل ارائه‌شده توسط بولو و روستا، ۱۴۰۳) و نیز سنجش برخی متغیرهای کنترلی (مانند اقلام تعهدی اختیاری) با تعریف جایگزین، ممکن است روی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش اثرگذار باشد. همچنین، با آنکه در برازش مدل‌های پژوهش، به کارگیری اثرهای سال‌ها تا حد زیادی توانسته است اثر رخدادهای کلان سیاسی و اقتصادی بر نتایج را کنترل کند، انجام پژوهش با کنترل اثر متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی، به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود.

1. Managers' optimism

2. Managers' narcissism

3. Cultural factors

منابع

- افلاطونی، عباس و خطیری، محمد (۱۴۰۳). کووید ۱۹ و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۲۱(۸۵).
- افلاطونی، عباس؛ ارجمند، فاطمه و مهدی‌قلی، مینا (۱۴۰۲). بررسی رفتار تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان: تأثیر دوره تصدی مدیرعامل. *حسابداری مالی*، ۱۵(۵۸)، ۷۶-۹۰.
- ایمنی، محسن و مشعشی، سیدمحمد (۱۴۰۱). بررسی تأثیر محدودیت‌های حاکم بر استراتژی‌های مدیریت سود بر به‌کارگیری استراتژی تغییر طبقه‌بندی سود. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۹(۷۵)، ۲۰۳-۲۳۶.
- بولو، قاسم و روستا، منوچهر (۱۴۰۳). مدلی برای سنجش توانمندی مدیران با تأکید بر سازه‌های حسابداری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۱(۳)، ۴۲۸-۴۶۰.
- ثقفی، علی و جمالیان‌پور، مظفر (۱۳۹۷). جایگاه پدیده تغییر طبقه‌بندی در مدیریت سود. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۷)، ۲۳-۱.
- حمیدیان، محسن؛ بزرگمهریان، شاهرخ و جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۷). نقش تخصص حسابرس در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه‌بندی فرصت‌طلبانه اقلام صورت سود و زیان. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۸)، ۹۳-۱۱۳.
- عبدلی، حامد و فرجی، امید. (۱۴۰۲). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی بر تغییر طبقه‌بندی اقلام در صورت سود و زیان: شواهدی از ایران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۵(۴)، ۱-۳۲.
- هاشمی، سیدعباس و ربیعی، حامد (۱۳۹۲). تحلیل مدیریت سود با استفاده از تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی در میان‌دوره‌های مالی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۵(۱۸)، ۴-۱۷.

References

- Abdoli, H. & Faraji, O. (2024). The impact of audit committee characteristics and audit fees on classification shifting of items in the income statement: Evidence from Iran. *Financial Accounting Research*, 15(4), 1-32. (in Persian)
- Abernathy, J. L., Beyer, B. & Rapley, E. T. (2014). Earnings management constraints and classification shifting. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(5-6), 600-626.
- Aflatooni, A. & Khatiri, M. (2024). COVID-19 and earnings management through classification shifting. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 21(85). (In Persian)
- Aflatooni, A., Arjmand, F. & Mahdigholi, M. (2023). Examining classification shifting behavior of earnings statement items: the effect of the CEO tenure. *Financial Accounting*, 15(58), 76-90. (in Persian)
- Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
- Alfonso, E., Cheng, C. A. & Pan, S. (2015). Income classification shifting and mispricing of core earnings. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 0148558X15571738.

- Athanasakou, V. E., Strong, N. C. & Walker, M. (2009). Earnings management or forecast guidance to meet analyst expectations? *Accounting and Business Research*, 39(1), 3-35.
- Athanasakou, V. E., Strong, N. C. & Walker, M. (2011). The market reward for achieving analyst earnings expectations: Does managing expectations or earnings matter? *Journal of Business Finance & Accounting*, 38(1- 2), 58-94.
- Bansal, M., Kumar, A., Bhattacharyya, A. & Bashir, H. A. (2023). Predictors of revenue shifting and expense shifting: Evidence from an emerging economy. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 19(1), 100339.
- Barnea, A., Ronen, J. & Sadan, S. (1976). Classificatory smoothing of income with extraordinary items. *The Accounting Review*, 51(1), 110-122.
- Barua, A., Lin, S. & Sbaraglia, A. M. (2010). Earnings management using discontinued operations. *The Accounting Review*, 85(5), 1485-1509.
- Behn, B. K., Gotti, G., Herrmann, D. & Kang, T. (2013). Classification shifting in an international setting: Investor protection and financial analysts monitoring. *Journal of International Accounting Research*, 12(2), 27-50.
- Biddle, G. C., Hilary, G. & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), 112-131.
- Black, E. L., Christensen, T. E., Taylor Joo, T. & Schmardebeck, R. (2017). The relation between earnings management and non-GAAP reporting. *Contemporary Accounting Research*, 34(2), 750-782.
- Blue, G. & Roosta, M. (2024). A model for managerial ability measurement with emphasis on accounting constructs. *Accounting and Auditing Review*, 31(3), 428-460. (in Persian)
- Bradshaw, M. T. & Sloan, R. G. (2002). GAAP versus the street: An empirical assessment of two alternative definitions of earnings. *Journal of Accounting Research*, 40(1), 41-66.
- Burgstahler, D. & Dichev, I. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 99-126.
- Cain, C. A., Kolev, K. S. & McVay, S. (2020). Detecting opportunistic special items. *Management Science*, 66(5), 2099-2119.
- Cheng, Q. & Warfield, T. D. (2005). Equity incentives and earnings management. *The Accounting Review*, 80(2), 441-476.
- Choi, H., Gan, H. & Suh, S. (2024). Managerial overconfidence and classification shifting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 43, 107176.
- Cready, W., Lopez, T. J. & Sisneros, C. A. (2010). The persistence and market valuation of recurring nonrecurring items. *The Accounting Review*, 85(5), 1577-1615.
- Demerjian, P., Lev, B. & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- Fama, E. F. & MacBeth, J. D. (1973). Risk, return, and equilibrium: Empirical tests. *Journal of Political Economy*, 81(3), 607-636.

- Fan, Y. & Liu, X. (2017). Misclassifying core expenses as special items: Cost of goods sold or selling, general, and administrative expenses? *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 400-426.
- Fan, Y., Barua, A., Cready, W. M. & Thomas, W. B. (2010). Managing earnings using classification shifting: Evidence from quarterly special items. *The Accounting Review*, 85(4), 1303-1323.
- Faulkender, M., Flannery, M. J., Hankins, K. W. & Smith, J. M. (2012). Cash flows and leverage adjustments. *Journal of Financial Economics*, 103(3), 632-646.
- Financial Accounting Standards Board (FASB). (1984). *Concepts Statement No. 5: Recognition and Measurement in Financial Statements of Business Enterprises*. Norwalk, CT: FASB.
- Francis, J., Huang, A. H., Rajgopal, S. & Zang, A. Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 109-147.
- Frankel, R., McVay, S. & Soliman, M. (2011). Non-GAAP earnings and board independence. *Review of Accounting Studies*, 16, 719-744.
- Hamidian, M., Bozorgmehrian, Sh. & Janat Makan, H. (2018). The role of the auditor's expertise in the industry in preventing opportunistic reclassification of profit and loss statement items. *The Financial Accounting and Auditing Research*, 10(38), 93-113. (in Persian)
- Hashemi, S. A. & Rabiee, H. (2013). Analyzing earning management, using classification shifting operating to non-operating expenses at the middle fiscal periods. *Accounting and Auditing Research*, 5(18), 4-17. (in Persian)
- Hastorf, A., Schneider, D., Polefka, J. (1970). *Person Perception*. Addison-Wesley, Reading, MA.
- Haw, I. M., Ho, S. S. & Li, A. Y. (2011). Corporate governance and earnings management by classification shifting. *Contemporary Accounting Research*, 28(2), 517-553.
- Hsieh, T. S., Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO overconfidence and earnings management during shifting regulatory regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9-10), 1243-1268.
- Hwang, J., Choi, S., Choi, S. & Lee, Y. G. (2022). Corporate social responsibility and classification shifting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 41(2), 106918.
- Imeni, M. & Moshashaei, S. M. (2022). Investigating the effect of constraints on earnings management strategies on the application of earnings classification shifting strategy. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 19(75), 203-236. (in Persian)
- Imeni, M., Fallah, M. & Edalatpanah, S. A. (2021). The effect of managerial ability on earnings classification shifting and agency cost of Iranian listed companies. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2021(1), 5565605.
- Jones, D. A. & Smith, K. J. (2011). Comparing the value relevance, predictive value, and persistence of other comprehensive income and special items. *The Accounting Review*, 86(6), 2047-2073.

- Jones, M. J. (2011). *Creative Accounting, Fraud and International Accounting Scandals*. John Wiley & Sons.
- Kaplan, S. N., Sørensen, M. & Zakolyukina, A. A. (2022). What is CEO overconfidence? Evidence from executive assessments. *Journal of Financial Economics*, 145(2), 409-425.
- Kasznik, R. & McNichols, M. F. (2002). Does meeting earnings expectations matter? Evidence from analyst forecast revisions and share prices. *Journal of Accounting Research*, 40(3), 727-759.
- Kothari, S. P., Leone, A. J. & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 163-197.
- Kruger, J. & Dunning, D. (1999). Unskilled and unaware of it: how difficulties in recognizing one's own incompetence lead to inflated self-assessments. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(6), 1121.
- Liu, X., Yang, J., Di, R. & Li, M. (2022). CFO tenure and classification shifting: evidence from China. *Emerging Markets Finance and Trade*, 58(6), 1578-1589.
- McVay, S. E. (2006). Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special items. *The Accounting Review*, 81(3), 501-531.
- Pierk, J. (2021). Big baths and CEO overconfidence. *Accounting and Business Research*, 51(2), 185-205.
- Presley, T. J. & Abbott, L. J. (2013). AIA submission: CEO overconfidence and the incidence of financial restatement. *Advances in Accounting*, 29(1), 74-84.
- Riedl, E. J. & Srinivasan, S. (2010). Signaling firm performance through financial statement presentation: An analysis using special items. *Contemporary Accounting Research*, 27(1), 289-332.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- Saghafi, A. & Jamalian Pour, M. (2018). Classification shifting phenomenon in earning management. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(57), 1-23. (in Persian)
- Schrand, C. M. & Zechman, S. L. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 311-329.
- Watts, R. L. & Zimmerman, J. L. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards. *The Accounting Review*, 112-134.
- Zalata, A. & Roberts, C. (2016). Internal corporate governance and classification shifting practices: An analysis of UK corporate behavior. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 31(1), 51-78.
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.